



10.48315/QGL.2025.480433.1141

فصلنامه «دولت و حقوق»، سال پنجم، شماره چهارم (پیاپی ۱۸)، زمستان ۱۴۰۳، صص. ۱۹۸-۱۸۱

شناسایی کاربری‌های برون‌رفت از چالش‌های نظام از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

احسان آقامحمدآقایی*

هدیه‌سادات میرتوایی**

محمد ابوالحسنی***

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

از جمله الزامات تحقق نظام مردم‌سالار و کارآمد با رویکرد مبتنی بر حکمرانی مطلوب، ایجاد اعتمادسازی عمومی و شناسایی چالش‌ها و مشکلاتی است که موجبات نارضایتی مردم از دولت را در پی دارد. با وجود این، از یک‌سو روش‌های شناخت و رفع چالش‌ها در نظام‌های سیاسی-حقوقی، با توجه به شکل و ماهیت آن‌ها، متفاوت خواهد بود و از سوی دیگر، با نظر به چندگانگی روش حکمرانی و میزان مشارکت‌پذیری یا مشارکت‌ناپذیری‌شان، چالش‌های پیش روی نظام‌ها نیز متفاوت و متنوع است. از این‌رو مقاله حاضر با تمرکز بر مفهوم چالش‌های موجود در برابر نظام‌های سیاسی، کوشید راه‌های برون‌رفت از چالش‌ها را با تأکید بر قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شناسایی کند. فرضیه اصلی مقاله آن بود که چالش‌ها در سطوح خرد و کلان فراروی نظام سیاسی نمود یافته و کارآمدی نظام‌ها را با چالش مواجه می‌سازند. همچنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان نظام مورد مطالعه، کاربری‌هایی به‌صورت فردی، جمعی و مردمی در نظر گرفته شده که در برون‌رفت از وضعیت چالش‌ها راهگشا هستند. مقاله پیش رو، با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در اثبات فرضیه یادشده تأکید ورزید.

واژگان کلیدی

چالش‌های نظام، برون‌رفت از چالش‌ها، کاربری‌های قانونی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

* استادیار گروه حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

e.aghahammadaghaee@iau-tnb.ac.ir

** استادیار گروه حقوق، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران.

mirtorabi52@ut.ac.ir

*** استادیار گروه حقوق، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

abolhasani42@gmail.com

مقدمه

واکاوی چالش‌های سیاسی-اجتماعی در هر عرصه‌ای از خرد تا کلان، و رهایی یا برون‌رفت از وضعیت بحران‌زا و حل چالش‌های ایجادشده در سطح مناسبات داخلی و خارجی، تماماً به رویکرد نظام حاکم نسبت به شناخت صحیح و منطقی از مشکلات و تصمیم جدی برای رفع آن‌ها بستگی دارد. از این حیث، مقاله پیش رو می‌کوشد تا بر این نکته تأکید کند که وجود چالش‌ها در هر نظام سیاسی، امری واقع و ناگزیر و ناگزیر تلقی می‌شوند و در زمره آن دسته از امور عادی صورت‌بندی می‌شوند که درمان آن به شیوه‌های فوق‌العاده صورت می‌گیرد. به همین دلیل نوشتار حاضر با طرح این پرسش که چالش‌ها و گره‌های پیش روی نظام سیاسی ایران در چارچوب قانون اساسی چگونه حل و فصل شده و راه برون‌رفت خود را می‌یابند، آغاز می‌شود و در پاسخ به پرسش مطرح‌شده، بر این فرضیه مبتنی است که حل چالش‌ها و گره‌گاه‌های سیاسی-اجتماعی را نخست باید با رویکردی واقع‌بینانه و عاری از هرگونه غرض‌ورزی و بدبینی و در عین حال انتقادپذیرانه دنبال کرد و سپس با بهره‌گیری از حداکثر ظرفیت‌های موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ترمیم و اصلاح قانون اصلی چالش‌ها در عرصه سیاست‌گذاری کلان نظام پرداخت. به باور این نوشتار، چالش‌های پیش‌گفته بیش از آنکه معلول عوامل بیرونی باشند به چیدمان سیاست داخلی و نحوه مناسبات دولت با شهروندان برمی‌گردند.

در تبیین پیشینه تحقیق باید افزود که مقاله‌ای با عنوان تبیین حقوقی حل معضلات نظام در نظم حقوق اساسی ایران در فصلنامه دانش حقوق عمومی در سال ۱۳۹۶ توسط دکتر نجابت‌خواه و سایر همکاران تقریر شده است که در مقاله مذکور به معیار تشخیص معضل توسط رهبری علی‌رغم سکوت آیین داخلی مجمع اشاره شده و مواردی از جمله ناکارآمدی راه‌های قانونی در حل اختلاف بین قوا، ناکارآمدی راه‌های قانونی به دلیل تقییدات احکام شرعی و رفع بن‌بست‌های موجود در اعمال هر یک از قوا را به عنوان مؤلفه‌های اصلی مورد پردازش قرار گرفته است.

همچنین مقاله‌ای نیز با عنوان نقش رهبری در پیشرفت‌ها و حل چالش‌های نظام جمهوری اسلامی در حوزه مسائل امنیتی و دفاعی در سال ۱۳۹۹ توسط دکتر موسوی در فصلنامه دولت پژوهشی ایران معاصر چاپ شده است. نگارنده به چالش‌های امنیتی و نقش رهبری در مدیریت آنها اشاره کرده است. در این مقاله تأکید شده است مقام معظم رهبری، جنگ و صلح را با ترازوی حکمت، عزت و مصلحت مدیریت کردند و بارها جمهوری اسلامی را از خطر جنگ‌هایی که ایران را تهدید می‌کرد، نجات دادند. با لحاظ مراتب یادشده، مقاله حاضر از این حیث بدیع می‌نماید که با تمرکز بر مفهوم چالش و ظرفیت‌های موجود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در پی ارائه تصویری واقع‌بینانه و پدیدارشناسانه از معضلات نظام است.

۱. نمودهای چالش‌ها در سطح کلان

مهم‌ترین نمودهای چالش‌ها را می‌توان در ابعاد اقتصادی و سیاسی جست. در حقیقت ابعاد یادشده، باز نمودهای اصلی مشکلاتی هستند که دولت و مردم همزمان با آنها دست به گریبانند.

۱-۱. چالش از منظر اقتصادی

تحلیل چالش‌های اقتصادی را با نظر به دو مقوله اثرگذار در مناسبات اقتصادی پی می‌گیریم:

۱-۱-۱. رکود

آثار چالش‌های موجود در حوزه اقتصادی به سرعت بر زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارند و میزان کندی یا تندی حرکت آن را با نوسانات پولی و ارزی می‌توان لمس کرد. هرچند این نوسان‌ها از تصمیم‌گیری‌ها و مواضع سیاسی دولت در عرصه سیاست داخلی و نیز بین‌المللی تأثیر می‌پذیرند، اما فی‌نفسه دارای پیامدهای بسیاری هستند که می‌تواند در افزایش و کاهش توان مالی یک کشور تأثیر بگذارد و وضعیت کشور را به مخاطره اندازد.

از آنجاکه تنظیم سیاست‌های پولی، مالی و ارزی با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات در بند ۳ سیاست‌های کلی نظام در بخش تشویق سرمایه‌گذاری قید شده است، همچنین بند ۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد مالی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی را بیان کرده است (گرچی، ۱۳۹۵: ۱۵۷). اما متأسفانه زمینه اجرایی شدن مقررات مذکور در نظام مالی کشور، فراهم نشده و کاهش ارزش پول ملی، تورم افسارگسیخته، کاهش قدرت خرید، عدم رشد مناسب در سرمایه‌گذاری، چرخش‌های سریع در سیاست‌های اقتصادی، عدم امنیت سرمایه‌گذاری و خروج سرمایه از بخش اقتصادی، نمونه‌هایی از چالش‌های اقتصادی دولت به شمار می‌آیند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

۱-۱-۲. فساد اقتصادی

به‌طور کلی فساد نشانه‌ای است از آنکه در کار اداره دولت خللی پدید آمده است، به این معنا که نهادهایی که برای ایجاد تعامل و همسویی بین شهروندان و دولت ایجاد شده‌اند، تمام تلاش خود را به ثروتمند ساختن شخصی و فراهم‌سازی مزایایی برای افراد فاسد به کار می‌برند (آکرمن، ۱۳۸۵: ۱۵). که علت آن را می‌توان در استفاده سوء و مطلق‌گونه از قدرت سیاسی و اقتصادی در اختیار جست‌وجو کرد. حاصل این وضعیت آن است که اوضاع معیشتی و اقتصادی مردم نه تنها ترمیم نشده که متضرر اصلی این فساد نیز بوده‌اند. از این میان اشکال فساد، نوع اقتصادی آن بیش

از سایر وجوه، بر زندگی شهروندان آثار مخرب و نامطلوب بر جای می‌گذارد. در حقیقت فساد اقتصادی، زبانی دو چندان دارد. در یک بیان می‌توان گفت چالش‌های ناشی از فساد اقتصادی ازجمله بارزترین آن پدیده اختلاس، در بدنه دولت اثری فوری و آنی دارد. به‌طوری‌که در کوتاه‌مدت هم دولت را ضعیف و ناکارآمد می‌سازد و چهره و مقبولیت و مشروعیتش را با چالش مواجه می‌کند و هم موج منفی آن شهروندان را از منابع و منافعی ناراضی و محروم می‌گرداند که اگر فساد رخ نمی‌داد، نصیبشان می‌شد. برخلاف فساد سیاسی که تبعات منفی آن برای دولت در درازمدت به وجود می‌آید و شهروندان را رفته‌رفته و خردخرد به رفتار دولت مشکوک و سرانجام بی‌اعتماد به دولت می‌سازد (بشیری، ۱۳۸۲: ۳۸۱).

گردش مالی پنهان، امضای طلایی‌ها، تصمیم پشت درهای بسته و تودرتویی نهادی ازجمله عواملی است که تأثیر زیادی در وقوع و گسترش فساد اقتصادی دارد. لازم است برای جلوگیری از فساد، گردش اطلاعات مالی، جز در مواردی که مربوط به مسائل دفاعی کشور است، شفاف و روشن در اختیار نهادهای نظارتی و عموم مردم باشد و اگر انحرافی در نحوه مصارف و هزینه‌کردها دیده شود، از وقوع تخلف پیشگیری شود. هنگامی که مردم بتوانند بر عملکرد سیاستمداران نظارت کنند و نتیجه کار آنها را ارزیابی کنند، میزان فساد کاهش می‌یابد و این جز با شفافیت میسر نمی‌شود (موسایی، ۱۴۰۱: ۱۰۶۷).

۲-۱. نگاه به چالش‌ها از منظر سیاسی

۱-۲-۱. سیاست داخلی

وجود دیدگاه‌های مختلف و ارائه راهکارهای متعدد برای رودرویی با مسائل و بررسی و تحلیل نظرها، همچنین انعطاف‌پذیری در برابر انتقادات و پیشنهادها، از شیوه‌های مدیریت کارآمد، معقول و مشارکتی است. می‌توان گفت در مدیریت مشارکتی، شهروندان خود بر انجام کار خویش نظارت می‌کنند. در این نوع از مدیریت، حقوق و مسئولیت‌های همگان محترم شمرده می‌شود و به‌گونه‌ای فعال، مورد حمایت قرار می‌گیرد (مک لگان-نل کریستو، ۱۳۸۰: ۴۲-۴۱). با چنین تدبیری مشکلی ناگشوده و حل‌ناشده باقی نمی‌ماند. درواقع مشکل زمانی رخ می‌دهد که نرمش و پذیرشی برای نظر مخالف باقی نماند. تمام نظرها به یک نظر خلاصه شود، تمام جناح‌ها و احزاب در یک حزب مستحیل می‌شوند و تمام راه‌حل‌ها به یک روش ختم شود. حزب یگانه و مسلط، جناح تندرو و افراطی، گروه‌های فشار و ذی‌نفع و ذی‌نفوذ، خشونت و سرکوب ویژه چنین جوامعی است (بشیری، ۱۳۷۸: ۳۸۰-۳۷۹). در چنین حالتی به دلیل وجود منافع و مقاصد گوناگون، در بدنه نیروها و ارکان دولت یا به تعبیر دیگر میان دولتمردان اختلاف به وجود می‌آید (بشیری،

همان: ۳۸۰). شاید بتوان گفت که خطرناک‌ترین آفت یک نظام سیاسی، اختلاف میان نهادهای سیاسی آن و نبود اجماع بر سر حل چالش‌هاست. برجام به‌عنوان توافق چندجانبه ایران با کشورهای دیگر، برای حل و فصل بحران هسته‌ای، عامل بروز و تشدید اختلاف‌نظرهای داخلی در ایران بوده است؛ به‌گونه‌ای که با گذشت چندین سال، همچنان این اختلاف‌ها بر سپهر سیاسی ایران سایه افکنده است. فارغ از اینکه منشأ اختلاف چیست، آنچه اهمیت دارد، توقف این درگیری‌ها و نفاق است. چراکه در صورت ادامه این روند اختلاف‌آمیز، نظام سیاسی از اعتبار می‌افتد و ساقط می‌شود. بنابراین اختلافات شدید که مردم آن را عمدتاً با هدف تصدی مناصب سیاسی و استحکام قدرت جناحی ارزیابی می‌کنند، به چالش‌های کلان تبدیل می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۹۷). لذا اگرچه وجود دیدگاه‌های متناقض درباره مسائل مهم سیاست داخلی در نظام‌های مردم‌سالار کاملاً طبیعی و حتی لازم به نظر می‌رسد، اما آنچه مهم است، استفاده از سازوکارهای اجماع‌سازی برای کاهش سطح اختلافات میان نخبگان مؤثر در راستای پیشینه‌سازی منافع ملی است (مسعودی، ۱۳۹۹: ۱۷۷).

۲-۲-۱. سیاست خارجی

افزون بر چالش‌ها و منازعاتی که در عرصه سیاست داخلی و درون‌سازمانی رخ می‌نماید، چالش‌های دیگری یافت می‌شوند که جنبه بین‌المللی و خارجی دارند. در یک بیان ساده باید یادآور شد که به محض اینکه دولتی شناسایی شد و برنامه خود را در برابر شهروندان و سایر دولت ارائه داد، از سوی سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی تحت نظارت قرار می‌گیرد.^۱ از این‌رو چنانچه چالش‌های داخلی نظام سیاسی در تصاحب قدرت پایان نپذیرد، تبعات آن نخست گریبان شهروندان را خواهد گرفت و موجب شکاف بین دولت و مردم می‌شود. بنابراین مشخص می‌شود که مهم‌ترین چالش بین‌المللی، عدم رعایت استانداردهای لازم از سوی دولت‌هاست که گاهی مسئله را بازدید و سرکشی به فعالیت‌های دول معضل‌ساز، به زعم، نهادهای ناظر حقوق بشر و سازمان‌های فرامنطقه‌ای برای اطلاع از فعالیت‌ها و اوضاع داخلی دولت‌های عضو، می‌کشاند. از این‌رو عمل‌گرایی و توان دولت در تنظیم و حتی شکل دادن به کشمکش‌های هنجارگون ناشی از حرکت به سوی صنعتی شدن، در حقیقت می‌تواند تصویری نیرومند از دولت را در عرصه مناسبات بین‌المللی نمایان سازد (واینر-هانتینگتون، ۱۳۹۰: ۳۹۹) و دولت را در مسیر حل بحران‌های پیش رو در حوزه سیاست خارجی متعهدتر و مصمم‌تر به شهروندان معرفی کند.

۱- مطابق برنامه هزاره سازمان ملل با نام حکمرانی خوب، ویژگی‌های دولت شایسته و خوب در هفت مؤلفه ذکر شده است.

۲. کاربست‌های حل چالش‌های نظام در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در این گفتار پیرامون اصولی شاخص از قانون اساسی بحث و بررسی می‌کنیم که بنیادهای حل چالش‌ها در آن آمده است. اصل یکصد و دهم راجع به اختیارات رهبری در حل چالش‌های نظام و همچنین اصل یکصد و دوازدهم، دربارهٔ شأن مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به حل چالش‌ها و مشکلات موجود در جامعهٔ سیاسی ایران، گفتنی است که افزون بر دو اصل یاد شده، در اصولی دیگر از قانون اساسی نیز ساختار حل چالش‌های نظام را، به صراحت یا ضمنی، می‌توان برون کشید، مانند اصل سوم (جایگاه مردم در تعیین سیاست‌ها و سرنوشت خویش، بند هشتم)، اصل ششم (منزلت آرای عمومی در مشروعیت نظام)، اصل هفتم (جایگاه شوراها)، اصل هشتم (نظارت مردم) و از این قبیل. با وجود این‌ها تکیه‌گاه قانونی و استدلالی ما در این مقاله، توجه به دو اصل پیش‌تر گفته است.

۲-۱. کاربست فردی حل چالش‌ها

مراد از کاربست شخصی در چارچوب قانون اساسی، تأسیسی فقهی-نظری به‌عنوان ولایت فقیه و جایگاهی اجرایی، به نام رهبری و مبنای مستند آن اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که درون‌مایهٔ آن به کارکردهای رهبری، شأن و جایگاه این مقام خطیر در سیاست‌گذاری‌ها و حل چالش‌های بالقوه و بالفعل در نظام، ارجاع دارد:^۱

۲-۱-۱. تشخیص چالش‌ها توسط رهبری

با نظر به محتوای اصل یکصد و دهم قانون اساسی می‌توان گفت که این اصل، از جهت ترسیم

۱- «۱. تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ ۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام؛ ۳. فرمان همه‌پرسی؛ ۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح؛ ۵. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها؛ ۶. نصب و عزل و قبول استعفا؛ الف) فقهای شورای نگهبان. ب) عالی‌ترین مقام قوه قضاییه. ج) رئیس سازمان صداوسیما؛ جمهوری اسلامی ایران. د) رئیس ستاد مشترک. ه) فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی. ۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه؛ ۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ ۹. امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید پیش از انتخاب به تأیید شورای نگهبان و در دورهٔ اول به تأیید رهبری برسد؛ ۱۰. عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی براساس اصل هشتاد و نهم؛ ۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.»

حوزه اقتدار سیاسی و تأثیر آن در کلیه شئون زندگی شهروندان، به‌واقع مهم‌ترین اصل قانون اساسی است. هرچند تکیه‌گاه نظری و مبنایی آن، در پنجمین اصل قانون اساسی بازتابیده شده است،^۱ لیکن فی‌نفسه و به‌صورت مستقل، قابل بررسی و تأمل است. با توجه به محور بررسی مقاله حاضر، بندهای هفتم و هشتم اصل یادشده دارای اهمیت فراوان است. تا جایی که بند هفتم به حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و بند هشتم نیز به حل چالش‌های نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌پردازند. با درنگی در این دو مورد می‌توان گفت که جایگاه و منزلت رهبری برای رفع و رجوع از مشکلات و حل اختلاف‌ها و چالش‌ها، شأن و منزلتی فراقوه‌ای و فرارویه‌ای است که مستقیماً یا غیرمستقیم آن را اعمال می‌کند.^۲ در این فرآیند، رهبری نخست چالش‌ها را رصد و مشخص می‌کنند و سپس از طرق عادی با روش مذاکره و میان‌داری یا غیر عادی، به‌طور کلی از مجرای مجمع تشخیص مصلحت نظام یا پس از مشورت و رایزنی با این نهاد، به حل و فصل آن مبادرت می‌ورزند. با این اوصاف پرسشی که در این میان مطرح می‌شود آن است که ملاک در اعلام و تشخیص موضوعی به‌عنوان معضل چیست؟ درخصوص اینکه معیار تشخیص معضل توسط رهبری چیست، آیین‌نامه داخلی مجمع سکوت کرده، اما رویه عملی در تشخیص چالش‌هایی که به مجمع ارجاع شده است، نشان می‌دهد که مواردی از جمله ناکارآمدی راه‌های قانونی در حل اختلاف بین قوا، ناکارآمدی راه‌های قانونی به دلیل نقیضات احکام شرعی و رفع بن‌بست‌های موجود در اعمال هر یک از قوا از مواردی است که سبب شده است تا عنوان معضل موضوع بند ۸ اصل ۱۱۱ قانون اساسی در این گونه موارد صدق کند (نجات خواه، ۱۳۹۶: ۴۰).

۲-۱-۲. اصدار حکم حکومتی بر مبنای مصلحت و عدالت

علاوه بر موارد دوگانه مندرج در اصل یکصد و دهم قانون اساسی، حل چالش‌ها با کاربست

۱- نظریه ولایت مطلقه و انتصابی فقیه.

۲- همچنان‌که در قانون اساسی اول پیش از بازنگری، مسئولیت تنظیم روابط قوا و حل اختلاف آنها بر عهده رئیس‌جمهور بود و برای حل معضلات غیرعادی (فی‌مابین مجلس و شورای نگهبان)، نیز نهادی به نام مجمع تشخیص مصلحت در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۸ تأسیس شد. همچنین پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ مسئولیت تنظیم روابط قوا و حل و فصل آن از اختیارات رهبری شمرده شد و مجمع کماکان ابقا گردید. با وجود این در ذیل اصل یکصد و دهم درج شد که رهبری می‌تواند این امور را به دیگری تفویض کند. در راستای این اختیار در مردادماه ۱۳۹۰ نهادی به نام شورای عالی حل اختلاف رهبری در قوای سه‌گانه تأسیس شد تا عهده‌دار این امر شود. حال با توجه به بحث از تغییر ساختار سیاسی نظام به سمت پارلمانی شدن و رو به اتمام بودن دوره مجمع، ابقا و انحلال مجمع تشخیص مصلحت نظام، خود محل بررسی و تحلیل‌های مبتنی بر حقوق عمومی خواهد بود.

شخصی رهبر از مجاری دیگری نیز میسر می‌شود. از آنجاکه مطابق قانون اساسی چالش‌های نظام بیشتر از طرق عادی یا غیرعادی حل و فصل می‌شوند، از این رو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با وجود جایگاهی به نام رهبری و حوزه اختیارات فراقوه‌ای آن در ارائه راهبردها و راهکارها در حل چالش‌های نظام، از سازکارهای فوق‌العاده، اضطراری و استثنایی^۱، صراحتاً سخنی به میان نداده است. عموماً نظام‌های سیاسی به اصول کلی حقوقی و قواعد و هنجارهای اجتماعی استناد می‌کنند و از آنها کمک می‌جویند تا چالش‌های نظام را در قالب قوانین حل و فصل کنند، اما ممکن است حالاتی پیش بیاید که نه امکان تعیین تکلیف از راه‌های شناخته شده و قانونی وجود داشته باشد و نه اصول موجود اجازه دهند که یک راه‌حل قابل قبول برای آن مسئله یا به دیگر سخن برون‌رفت از بحران پیدا شود؛ چنین وضعیتی را استثنایی یا اضطراری می‌خوانند (امیراجمند، ۱۳۸۵: ۱۸-۱۶).^۲ در توصیف این وضعیت بیش از هر وصف دیگر به نظر می‌رسد وضعیت اضطراری ماهیتی ابتکاری و انقلابی دارد و پابندی به موازین از پیش تعیین شده ندارد. همچنان که در نظریه ولایت انتصابی مطلقه فقها، هیچ‌گونه تقییدی به امور حسیه، چارچوب احکام فرعی الهیه اولیه و ثانویه و قوانین بشری از جمله، قانون اساسی وجود ندارد. بر این اساس، حکومت یکی از احکام اولیه به‌شمار می‌رود و بر احکام ثانویه مانند نماز، روزه و حج تقدم دارد. به عبارت دیگر حکومت می‌تواند قراردادهای فرعی را که با مردم بسته است، یک‌جانبه لغو کند و حاکم نیز می‌تواند از هر امری که مخالف مصالح تشخیص می‌دهد، جلوگیری کند، چراکه تشخیص‌دهنده مصلحت هم اوست (حقیقت، ۱۳۸۷: ۲۱۸). و هر موقع اقتضا کرد، او می‌تواند مصالح اسلام و مسلمان و چالش‌های پیش رو را از راه‌های پیش‌بینی نشده در قانون اساسی براساس سازوکار صدور «حکم حکومتی»^۳ یا «دستور ولایی»، استخراج کند. بنابراین صدور

1- exception

۲- نیز کارگزاری، جواد، امکان‌سنجی تدوین لایحه قانون جامع وضعیت اضطراری، سایت اندیشه‌های حقوق عمومی، پنجشنبه دهم تیر ۱۳۸۹.

۳- درخصوص نظریه حکم حکومتی، با تحلیل دیدگاه فقیهان -به‌ویژه فقیهان ارجمندی مانند شیخ طوسی، شهید اول، امام خمینی- درمی‌یابیم که مصلحت و عدالت، به‌عنوان دو ضابطه اصلی، مبنای صدور احکام حکومتی و ملاک تشخیص روایات حکومتی از غیرحکومتی هستند. به‌طوری‌که از سیر تطور عدالت اجتماعی در اندیشه شیعه و فقه امامیه برمی‌آید، احکام حکومتی در سه مرحله تطور یافته‌اند. به این ترتیب که شیخ مفید و شیخ طوسی آن را در فقه پی نهادند، شهید اول در آن تحول آفرید و در سایه دیدگاه‌های فقیهان عصر صفوی و وحید بهبهانی، صاحب جواهر رابطه آن را با مصلحت نمایاند و امام خمینی طرحی جامع درباره آن در انداخت. همچنین انظار مختلف درباره اولی یا ثانوی بودن احکام حکومتی نقل و نقد شده و نتیجه آن شده است که احکام حکومتی نه اولی است و نه ثانوی است؛ چه اینکه مقسم این تقسیم حکمی است که از شارع مقدس صادر شود و حکم حکومتی از رهبری

حکم حکومتی به‌عنوان راهکاری اساسی برای حل چالش‌ها و پدیده‌های نوظهور سیاسی و اجتماعی در اختیار حاکم جامع‌الشرایط قرار داده شده تا در شرایط مختلف براساس مقتضیات جامعه و در راستای اداره امور کشور، تصمیم متناسب را اتخاذ کند. مصلحت عمومی به‌عنوان منفعت مشترک تمام افراد به‌مثابه اعضای جامعه همان بنیایی است که صدور حکم حکومتی بر مدار آن صورت پذیرفته و توجیه می‌شود (بالوی، ۱۳۹۹: ۴۷).

۲-۲. کاربری‌های نهادی حل چالش‌ها

منظور از کاربری نهادی، تدبیری است برای حل مشکلات و چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نظام که پیش از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۶ و پس از آن در سال ۱۳۶۸ تاکنون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اندیشیده شده است. نهادی در قالب و با نام مجمع تشخیص مصلحت نظام. به تعبیری دیگر می‌توان گفت که این کاربری موجود در قانون اساسی، در مقایسه با همتای خود در اصل یک‌صد و دهم، بیشتر ماهیتی شورایی و گروهی دارد و اعضای آن اعم از حقیقی و حقوقی، حسب مورد به رهبری در تعیین سیاست‌ها و حل چالش‌های کلان کشور مشاوره می‌دهند (رجایی، ۱۳۸۰، ۴-۵).

۲-۲-۱. مجمع تشخیص مصلحت نظام

محمل وجودی و قانونی مجمع تشخیص مصلحت نظام، متأثر از اختلافات اجرایی و اداری در ساختار سیاسی نظام و مقامات اجرایی و سیاسی در اتخاذ تصمیمات است که در راستای رفع آن تدبیری از جنس قانون اساسی مطرح و در نتیجه آن، طی اصولی چند از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجمع تشخیص مصلحت نظام یک بازوی مشورتی برای مقام رهبری است که در صورت تعارض حق حاکمیت ملی در امر قانونگذاری و حق حاکمیت شریعت یا قانون اساسی به تشخیص شورای نگهبان، رهبری نظام می‌تواند به کمک این نهاد چالش‌های نظام را حل و آن را از بن‌بست نجات دهد (دوست‌محمدی، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

از این‌رو هرچند فلسفه وجودی یا شأن تأسیس مجمع از ابتدا حکمیت میان مجلس شورای ملی و شورای نگهبان بود، لیکن پس از بازنگری در قانون اساسی و در دو دهه اخیر، کارکردهای

فراتری نسبت به آنچه که در آغاز بوده، یافته است. این کارکردها به روایتی دربردارنده و متکفل حل و فصل امور ذیل هستند:

۱. مجمع تشخیص مصلحت نظام، مسئولیت تصمیم‌گیری در سیاست‌های کلان داخلی و خارجی ایران و حل اختلاف میان قوای سه‌گانه را برعهده دارد.
۲. این مجمع، وظیفه تدوین برنامه چشم‌انداز بیست ساله نظام (از ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴) و نظارت بر اجرای آن را برعهده دارد.

۳. از سال ۱۳۸۵ رهبری جمهوری اسلامی ایران، اختیار نظارت بر عملکرد قوای سه‌گانه در اجرای سیاست‌های کلی را که از اختیارات رهبر است، به این مجمع واگذار کرد.

۴. براساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌تواند در مواردی خاص که به مصلحت نظام است اجازه دهد خلاف شرع و خلاف قانون اساسی عمل شود.^۱
با بیان این نکته که روایت مذکور تنها برداشتی از قلمرو اختیارات مجمع است، یادآور می‌شویم که در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، یکی از مظاهر حکمیت برای رفع و رجوع اختلاف‌ها و چالش‌های در مقیاس‌های کلان حکومتی یا در برخی موارد، نمودی از حکمرانی شورایی در سطوح عالی مدیریتی است.

۲-۳. کاربست مردمی-مشارکتی برون‌رفت از چالش‌ها

افزون بر کاربست‌های شخصی و نهادی پیش‌بینی شده در قانون اساسی ایران، می‌توان به راهکار دیگری، با عنوان راهکار مردمی حل چالش‌های نظام اشاره کرد که با وجود اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً و به‌عنوان راهکار از آن یاد نشده است، لیکن به دلیل وجود ظرفیت بالا و قابلیت مردم‌سالارانه مندرج در برخی اصول آن نظیر: بند هشتم اصل سوم، اصل هفتم، اصل هشتم و اصل پنجاه و ششم، می‌توان با ارائه تفسیری موسع، از کاربست‌های مردمی حل چالش‌ها نیز یاد کرد. به باور این نوشتار و برگرفته از اندیشه حق حاکمیت مردم که یکی از بنیان‌های اصیل دموکراسی است، از یک‌سو صاحب حقیقی اقتدار و حاکمیت سیاسی، شهروندان هستند و از سوی دیگر، رضایت شهروندان از دستگاه حاکمه، موجب مشروعیت سیاسی نظام می‌شود. از این‌رو یک‌یک شهروندان حق دارند بدون تبعیض و محدودیت‌های نامعقول از سوی دولت، مستقیم یا با واسطه در اداره کشور شرکت کنند و این حضور اثربخش را به اشکالی

۱- روایت محمدرضا باهنر از اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام خبرگزاری الف. بی‌تا.

گوناگونی^۱ اعلام کنند (آقامحمدآقایی، ۱۴۰۲: ۲۵-۲۴) و همچنین با نظارت بر اعمال دولت در پیشگیری از وقوع چالش‌ها و نیز با مشارکت در سیاست‌گذاری‌ها، در حل مشکلات و چالش‌های موجود و فراروی نظام، مؤثر واقع شوند. از این‌رو، از میان اصول پیش‌گفته، بحث خود را در این مقال با تأکید بر دو بند هشتم اصل سوم و اصل هشتم قانون اساسی پی می‌گیریم.

۲-۳-۱. نظارت مستمر مردم بر عملکرد نظام

منظور از نظارت شهروندی، نظارتی است که از سوی مردم اعمال می‌شود و واسطه تحقق آن نیز احزاب، مطبوعات، رسانه‌های جمعی و در برخی موارد قوای حکومتی، به‌ویژه مجلس شورای اسلامی هستند. درحقیقت نظارتی که فقط عموم شهروندان را درگیر می‌سازد و در عین حال دیرپاب است، سرانجام به سلب اعتماد عمومی از یک مقام یا نهاد حکومتی می‌انجامد (راسخ، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۴). فقها در بررسی مبانی مشارکت مردم در حکومت اسلامی به قواعدی مانند وجوب امر به معروف و نهی از منکر، لزوم مشورت و قاعده النصیحه‌الائمه‌المسلمین اشاره می‌کنند که مبتنی بر آن امت اسلامی با حاکم خود در ارتباط است و او را از کاستی‌های موجود در حکومت آگاه می‌کند (جاوید، ۱۳۹۲: ۸۱). و لا تصح نصیحتهم الا بحیثهم علی و لاه الامور و قله استقال دولهم و ترک استیطاء انقطاع مدتهم، و خیرخواهی و نصیحت‌گری آنان (مردم برای حکومت) جز با احاطه و اشراف آنان بر حاکمان و اینکه دوام حکومت آنان را سنگین‌نشانند و گفت‌وگو از دیر ماندن آنان بر سر کار را وا گذارند، راست نیاید (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). بنابراین مشارکت مردم در حل معضلات نظام بعضاً در قالب نصیحت به رهبران جامعه از ظرایف و لطایف حکومتداری در اسلام مطرح می‌شود و با عنوان خاص «النصیحه‌الائمه‌المسلمین» در میان آرا و نظریات فلاسفه و فقه‌های اسلامی مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است؛

بنابراین نظارت شهروندان بر عملکرد نظام به‌عنوان یک راهکار مردمی و مشارکت‌پذیرانه، باید به‌منظور تحقق اهداف و چشم‌اندازهای مطلوب دولت و پیشگیری از انحرافات و نزدیک شدن به معیارهای حکمرانی خوب صورت گیرد. برای تحقق پایدار و مطلوب نظارت‌گری مردم، لازم است که دولت به پذیرش بی‌قید و شرط نظارت تن دهد و ماهیت نظارت را تا حد یک اعتراض یا واکنش تخریبی تن ندهد.

در مقوله نظارت مستمر مردم، حق برکناری مقامات فرایندی پایین به بالا در شیوه دموکراسی

۱- نظیر: تصدی مشاغل نمایندگی یا گزینش نمایندگان مورد اطمینان؛ امکان دستیابی به فرصت‌ها و موقعیت‌های گوناگون سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و تربیتی؛ مخالفت با سیاست‌گذاری‌های دولتی و ارائه راهکارهای اصلاحی به هیئت حاکمه.

مستقیم است که به مقامات صالح یا تعداد معینی از شهروندان، این اختیار را می‌دهد تا اقدام به برکناری یک فرد صاحب پست یا هیئت دارای قدرت، پیش از اتمام دوره رسمی خدمتشان کنند. به هر حال نه در قانون اساسی و نه در قوانین عادی نظام حقوقی ایران نمی‌توان به نصوص صریح درخصوص حق برکناری کارگزاران منتخب توسط مردم دست یافت، اما می‌توان در مبنای برخی از نظریات درخصوص ماهیت نمایندگی و کارگزاری در حکومت اسلامی، مانند نظریه امانی دانستن حکمرانی یا در میان برخی از اصول قانون اساسی به اصل مشروعیت این حق پی برد (عامری، ۱۳۹۹: ۱۱۶).

با عنایت به حساسیت مقوله نظارت شهروندان بر اعمال دولت، برای دستیابی به کارایی بهتر نظام نظارت شهروندی باید شرایطی محیا شود تا شهروندان به نحو مؤثری بر عملکرد حکام نظارت کنند. برخی از این شرایط عبارتند از:

- الف- داشتن حق داوطلبی همه شهروندان برای عضویت در مجالس محلی و ملی؛
- ب- الزام مجلس به پاسخگویی منظم در برابر همگان و تسلیم و کالت‌دهی مداوم به شهروندان؛
- ج- امکان اینکه مجلس از جنبه‌های مختلف نماینده انتخاب کنندگان باشد؛
- د- پاسخگویی مجلس در برابر سازمان‌ها و نهادهای شهروندی و مدنی؛
- ه- امکان اینکه تمامی شهروندان فرصت مشارکت سیاسی مستقیم را با عضویت در احزاب سیاسی، انجمن‌های داوطلبانه، نهادهای خودگردان، گروه‌های محلی و دسترسی شخصی به نمایندگان سیاسی بیابند (بی‌نام، ۱۳۸۳: ۵۰). احزاب، کاراترین نهاد سپهر عمومی هستند و آزادی و نقش آنها در ساخت سیاست، آینه تمام‌نمای منزلت سپهر عمومی در یک جامعه سیاسی است. با این اوصاف در ایران حتی در سطح دانشگاهی ناخوش‌بینی نسبت به احزاب وجود دارد؛ تا جایی که فعالیت حزبی در حد دو جناح سیاسی چپ و راست بعضاً عامل به خطر افتادن ثبات سیاسی ارزیابی می‌شود (رحمتی‌فر، ۱۴۰۰: ۱۳۷).

۲-۳-۲. اتخاذ تصمیمات به روش مشارکتی

به موجب مقدمه قانون اساسی و اصول متعدد قانون اساسی همچون ۱، ۶، ۸، ۵۸ مردم به عنوان یکی از دو محور اصلی نظام جمهوری اسلامی تعریف شده‌اند و مشارکت آنها در تعیین سرنوشت، نمایانگر جمهوریت نظام است (نیکونهاد، ۱۳۹۹: ۸۳۹). در اصل ۸ قانون اساسی به موضوع امر به معروف و نهی از منکر اشاره شده است. درباره امر به معروف و نهی از منکر، دو دسته آیات وجود دارد. در یک دسته، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان تکلیف یکایک افراد آمده است و در دسته دوم، وظیفه و نهادی است که بر دوش حاکمیت و مدیریت جامعه اسلامی قرار دارد. در

دسته دوم از آیات، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه حکومتی و مسئولیت کلان بر دوش حاکمیت و مدیریت اسلامی قرار گرفته است.

راهکارهای تحقق مشارکت را می‌توان ذیل دو دسته کلی راهکارهای «مشارکت حکومتی» که در آن‌ها حکومت اسلامی زمینه‌های مشارکت را برای مردم طراحی می‌کند و «مشارکت مردمی» که در آن عرصه‌های مشارکت از ابتدا به وسیله مردم تعریف می‌شود، دسته‌بندی کرد (جاوید، ۱۳۹۲: ۶۹). بر این اساس دولت موظف است در گام نخست، نظام تصمیم‌گیری مشارکت حکومتی را که دارای ساخت و کارکردهای دموکراتیک است، ایجاد کند. در نتیجه این امر، تلاشی رقابت‌آمیز برای جلب آرای مردم روی می‌دهد و سرانجام به قدرت تصمیم‌گیری مردمی می‌انجامد (کوینتن، ۱۳۷۱: ۳۴۰).

از این رو می‌توان گفت که هدف از تصمیم‌گیری مشارکتی در اصل، تصمیم‌گیری در تسهیم قدرت، به منظور کاستن از تبعات ناخوشایند بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. از این رو، هواخواهان دموکراسی مشورتی در همین راستا، به جنبه‌های بیرونی و جمعی تصمیم‌سازی مشورتی توجه می‌کنند. به ویژه در طرح‌های سیاسی پیشنهادی خود، که با روش دموکراتیک اتخاذ می‌شود، و به دنبال نتایجی هستند که از نظر دموکراتیک نیز الزام‌آور باشد و مبنایی برای هدف‌های جمعی فراهم آورد. با وجود این، تصمیم‌های جمعی، دارای جنبه‌ای درونی هم است که به سنجش دلایل موافق و مخالف راه و روش اجرای آن تصمیم می‌پردازد. هر چند شیوه‌های سنجیده و تأمل‌آمیز و درونی تصمیم‌سازی مشورتی هرگز به معنای واقعی کلمه نمی‌توانند جانشین شیوه‌های جمعی و بیرونی آن شود، اما از یک نظر این دو شیوه به ناچار درهم تنیده شده‌اند (آقامحمدآقایی، ۱۴۰۲: ۲۳۹-۲۳۸). به این ترتیب در قلمرو سیاست، تصمیم‌گیری تأمل‌آمیز و درونی، مکمل تصمیم‌سازی جمعی و بیرونی است و برون‌رفت از چالش‌های موجود، به شیوه مشورت جمعی و بیرونی میسر می‌شود (گودین، ۱۳۸۸: ۲۸۳-۲۷۹).

بنابراین به طور منطقی، انتظار می‌رود که با پذیرش حضور فزاینده مردم در تصمیم‌گیری‌ها، نظام سیاسی بتواند چالش‌ها و بحران‌های بالقوه پیش روی نظام را به نحو بهتر و معقول‌تری بگشاید (آقامحمدآقایی-رحیمی، ۱۴۰۰: ۳۶-۳۵).

۳. تقویت نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه نخبگانی

سازمان‌های مردم‌نهاد، تبلور مشارکت مردم در اداره امور کشور محسوب می‌شوند. سمن‌ها با تحقیق و تفحص مستقل مانند تفحص‌های مطبوعاتی، بر بازیگران دولتی و نهادهای عمومی نظارت می‌کنند و در نهایت آن‌ها را به پاسخگویی وادار می‌سازند. این گونه تحقیق و تفحص، «ابزاری

توانمند» برای حل معضلات نظام است و ابزاری مهم برای اجرای قوانین و اثرگذاری نهادهای مدنی به‌شمار می‌آید (براتی، ۱۳۹۷: ۶۲). سمن‌ها به‌عنوان پل ارتباطی میان جامعه و حکومت می‌توانند نقش مؤثری در کاهش آلام سیاسی، اجتماعی و رفع نابسامانی‌های آن داشته باشند.

نتیجه‌گیری

در مقام نتیجه‌گیری باید اشاره داشت که افزون بر کاربست‌های موجود و پیش‌بینی شده برای حل چالش‌ها در چارچوب قانون اساسی، می‌توان از توان موجود در یکایک شهروندان بهره گرفت. از این‌رو با اتخاذ راهکارهایی چند در عرصه‌های اجتماعی-فرهنگی از قبیل: افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان در نهادهای اجتماعی؛ انتشار اطلاعات و ایجاد حداکثر شفافیت اطلاعاتی؛ اجرای برنامه‌های آگاه‌سازی عمومی نسبت به قوانین؛ تقویت آموزش اصول مردم‌سالاری و آگاه‌سازی از مسائل و مشکلات آن؛ همچنین با راهکارهایی در عرصه سیاسی از قبیل تشویق عمومی به مشارکت سیاسی از طریق ترغیب به شرکت هرچه گسترده‌تر در انتخابات؛ برگزاری انتخابات به بهترین و مطلوب‌ترین شکل ممکن، برای جلب اعتماد هرچه بیشتر شهروندان به فرآیند انتخابات؛ ایجاد امکان مشارکت برای شهروندان در اداره امور جامعه؛ افزایش دامنه مسئولیت مقامات دولتی در جهت پاسخگویی بیشتر به مردم؛ و نیز با به‌کارگیری تدابیر و راهکارهایی اقتصادی از جمله کارکردن نظام مالیاتی برای توزیع بهتر ثروت در میان اقشار نیازمند و کاهش فاصله میان اقشار اجتماعی؛ مبارزه با فقر و محرومیت از طریق اهدای کمک‌های اقتصادی به افرادی که مایل به اشتغال‌زایی هستند؛ و تشویق ایجاد واحدهای کوچک اقتصادی که به دلیل نبود تراکم انسانی، هر نظام سیاسی نه‌تنها خواهد توانست در مقابل بسیاری از چالش‌های مبتکرانه و با اقتدار راه برون‌رفت خود را بیابد که بسیاری از بحران‌ها را نیز پشاپیش دفع، بی‌اثر و خنثی خواهد ساخت.

کتابنامه

- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۶). *در آمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ادیانی، یونس، (۱۳۸۳). *فلسفه ذهن و معنی*، تهران، انتشارات نقش جهان.
- اکرم سوزان رز، (۱۴۰۲). *فساد و دولت (علت‌ها، پیامدها و اصلاح)*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر شیرازه.
- امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۵). «*ایده وضعیت اضطراری*»، مجله حقوق عمومی، شماره ۱، مردادماه. آقامحمدآقای، احسان، (۱۴۰۲). نقش دولت در فرآیند مشارکت‌پذیری مردم (بازکاوی مشارکت در میانه حق-تکلیف)، تهران، پژوهشکده حقوقی شهردانش.
- آقامحمدآقای، احسان، رحیمی، فتح‌الله (۱۴۰۰). «ارزیابی تأثیر بحران فراگیر کرونا در تمایل به استقرار دولت حداکثری و تحدید مشارکت شهروندان» مدیریت بحران، سال دهم، ویژه‌نامه، پاییز ۱۴۰۰.
- بالوی، مهدی، بیات کمیتیکی، مهناز، زارع مهدیه، مرجان، (۱۳۹۹). حکم حکومتی و مصلحت عمومی، فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال دوم، شماره ۲.
- براتی، امیرنظام، زارعی، محمدحسین، مسعود، غلام‌حسین، (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی نقش جامعه مدنی تخصصی در مبارزه با فساد در کشورهای ایران و کره جنوبی، فصلنامه حقوق اداری، سال هفتم، شماره ۲۳.
- بشیریه، حسین، (۱۴۰۳). *آموزش دانش سیاسی*، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین، (۱۳۹۵). *دولت و جامعه مدنی (گفت‌وگوهای جامعه‌شناسی سیاسی)*، قم، ویژه‌نامه نقد و نظر.
- بشیریه، حسین، (۱۴۰۲). *جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در قدرت)*، تهران، نشر نی.
- بی‌تام، دیوید، (۱۳۸۹). *دموکراسی و حقوق بشر*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات طرح نو.
- پای، دبلیو و دیگران، (۱۳۸۰). *توالی‌ها و بحران‌ها در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا خواجه سروری و دیگران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تجلی اردکانی، اطهر، (۱۳۸۷). «*رابطه زمام‌دار و مردم از دیدگاه سعدی*»، مرکز سعدی‌شناسی، دفتر یازدهم، شیراز، اول اردیبهشت.
- جاوید، محمدجواد، فتاحی ظفرقندی، علی (۱۳۹۲). *راهکارهای مشارکت مردم در اداره حکومت اسلامی*، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۶.

- حسینی، سیدعلی، (۱۳۸۷). *تحلیلی بر نظریه‌های مربوط به احکام حکومتی در فقه امامیه*، رساله دکتری رشته الهیات و معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق (ع).
- حقیقت، سیدصادق، (۱۳۹۴). *مبانی اندیشه سیاسی در اسلام*، تهران، سمت.
- دانش خوشیو، یوسف، (۱۳۴۹). *سازمان‌های محلی*، تهران، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران.
- دوست محمدی، احمد، باباپور، محمدمهدی، (۱۳۹۰). *مجمع تشخیص مصلحت نظام*، زمینه‌های پیدایش، منازعات گفتگویی و قانونمندی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱.
- راسخ محمد، (۱۴۰۰). *نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی*، تهران، انتشارات دراک، پاییز.
- رجایی، حسین، (۱۳۸۱). *ولایت فقیه و حل معضلات نظام*، رواق اندیشه، شماره ۱۱.
- رحمت الهی، حسین، (۱۴۰۰). *تحول قدرت (از سپیده دمان تا جهانی شدن)*، تهران، انتشارات میزان.
- رحمتی‌فر، سمانه، (۱۴۰۰). *مطالعه تطبیقی نظام حاکم بر احزاب در جمهوری اسلامی ایران و آلمان: سنجش منزلت حقوقی سپهر عمومی*، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ششم، شماره ۲.
- رضویان، محمدتقی، (۱۳۸۴). *تمرکززدایی در کشورهای در حال توسعه*، تهران، نشر آشیان.
- روحانی، حسن، (۱۳۷۹). «*درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی*»، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۸، زمستان.
- عامری، زهرا، حبیب‌نژاد، سیداحمد، (۱۳۹۹). *بررسی حق برکناری مقامات منتخب توسط مردم در نظام‌های حقوقی*، فصلنامه پژوهش حقوق تطبیقی اسلام و غرب، سال هفتم، شماره ۴.
- فکوهی، ناصر، (۱۳۷۸). *خشونت سیاسی*، تهران، انتشارات پیام امروز با همکاری نشر قطره.
- قراگوزلو، محمد، (۱۳۸۸). «*نظریه انحطاط از منظر سعدی و ابن خلدون*»، مرکز سعدی‌شناسی، دفتر دوازدهم، شیراز.
- کونینتن آنتونی، (۱۳۷۴). *فلسفه سیاسی*، ترجمه مرتضی اسعدی، انتشارات بین‌المللی الهدی.
- گرجی ازندیانی، علی‌اکبر، میرترابی، هدیه‌سادات، (۱۳۹۵). *مقررات گنداری بانکی*، انتشارات خرسندی.
- گودین رابرت‌ای، (۱۴۰۲). *دموکراسی سنجیده*، ترجمه لیلا سازگار، انتشارات ققنوس.
- لاپیر، ژ.و، (۱۳۹۲). *قدرت سیاسی*، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران، فرزاد روز.
- مسعودی، حیدرعلی، شرفی صدرآبادی، مهران، (۱۳۹۹). *سیاست خارجی و نبود اجماع پایدار*

داخلی: تحلیل رمزگان عملیات برجام، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۳، شماره ۹۰. مک‌لگان پاتریشیا- نل کریستو، (۱۳۸۰). عصر مشارکت، ترجمه مصطفی اسلامیه، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

موسایی، میثم، محمدی، محمدرضا، (۱۴۰۱). مطالعه جامعه‌شناختی فساد اقتصادی: از منظر استادان دانشگاه‌های تهران، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱۱، شماره ۴. نجابت‌خواه، مرتضی، تقی‌زاده، جواد، ظریفی، نفیسه، (۱۳۹۶). تبیین حقوقی حل معضلات نظام در نظم حقوق اساسی ایران، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال ششم، شماره ۱۸. نقش دولت در جهان در حال تحول، (۱۳۸۴). گروه مترجمان، تهیه‌کننده بانک جهانی، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۹۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سمت. نویمان، فرانتس، (۱۳۹۰). آزادی و قدرت و قانون، ترجمه عزت‌اله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.

نیکنهاد، حامد، مدرس، سیدعبدالسعید، (۱۳۹۹). امکان‌سنجی نقش‌آفرینی مردم در ابتکار بازنگری قانون اساسی، درنگی بر ظرفیت حقوق اساسی ایران، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۲.

واینر مایرون- هانتینگتون ساموئل، (۱۳۹۰). درک توسعه سیاسی، ترجمه گروه مترجمان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هیلگارد و اتکینسون، (۱۴۰۲). زمینه روان‌شناسی، گروه مترجمان با نظر دکتر محمود ساعتچی، تهران، انتشارات گپ.

Pye Lucian W. (1966), *Aspects of Political Development*, Boston University.

پایگاه‌های مجازی

کارگزاری، جواد، (۱۰ تیر ۱۳۸۹). امکان‌سنجی تدوین لایحه قانون جامع وضعیت اضطراری، سایت اندیشه‌های حقوق عمومی.

مصباح یزدی، محمدتقی، (۲۸ بهمن ۱۳۸۴). خبرگزاری ایسنا، سرویس سیاسی، کد خبر ۱۵۹۵۰-